بعد از هدف‌گیری ضلع جنوبی اژدرکوه، حالا دامنه شمالی و نوک قله کوه اسطوره‌ای هم تخریب شده است

جاده شمالی تیر آخر را به قلب اژدها زد!

روی قله احتمالا برای ساخت دکل بتن‌ریزی و مسطح شده است.

از بهمن ۱۴۰۳ جاده‌ای روی ضلع شمالی اژدرکوه ایجاد شده که تا نوک قله پیش رفته است

عکس: سعید گلی | شهرآرا

شیما سیدی | بی‌شک در این زمانه دیگر اژدهاکشی هنر نیست؛ آن هم اژدهایی که هزاران سال است مرده، بر اساس روایت حکیم ابوالقاسم فردوسی، پیکر بی‌جان اژدها را سام، پدربزرگ رستم دستان، کنار کشف‌رود انداخت و حیات را به توس برگرداند.
هنر امروز زنده نگاه‌داشتن این اسطوره باستانی است؛ افسانه‌ای که قدمتش به قرن‌های گذشته برمی‌گردد و فردوسی در «شاهنامه» و اسدی طوسی در «گرشاسب‌نامه» آن را روایت کرده‌اند.
اما از ظواهر امر این‌طور به نظر می‌رسد که حفظ این کوه اسطوره‌ای در دستورکار هیچ نهاد و ارگان دولتی نیست و تنها اهالی فارمد و علاقه‌مندان به تاریخ و محیط زیست مشهد هستند که با نقل سینه به سینه افسانه اژدرکوه سعی می‌کنند یادش را زنده نگه‌دارند. زخم اژدرکوه دیگر تنها به معادن ختم نمی‌شود؛ بر روی این کوه افسانه‌ای جاده‌ای احداث شده که تا نوک قله چون ماری پیچ خورده و بالا رفته، روی قله نیز مسطح و بتن‌ریزی شده است.

هیچ ارگانی مسئولیت جاده‌سازی را قبول نمی‌کند

معدن‌کاران در ضلع جنوبی، دم اژدها را نشانه گرفته‌اند و با ضربات دینامیت و بولدوزر به سمت یال پیش می‌روند و از آن سو در ضلع شمالی، جاده‌کشی تا نوک قله، همچون تیری بر قلب اژدها فرو رفته است. از بهمن ۱۴۰۳ ضلع شمالی اژدرکوه زیر چرخ بولدوزرها افتاده و جاده‌ای تا نوک قله کشیده شده است. خبر بد اینکه این جاده تنها مشکل نیست، هدف از جاده‌کشی ساخت احتمالا دکلی در بالای قله است که به طور کامل منظر آن را نابود می‌کند.

حال سؤال اینجاست، آیا کوهی که نامش در مهم‌ترین کتاب حماسی ایران آورده شده و قدمتی چند هزارساله دارد، به اندازه یک مشت آهک اهمیت ندارد؟ آهکی که مهم‌ترین کاربردش در دنیای امروز جاده‌سازی و ریختن کف جاده است؟ کدام عقل سلیمی می‌پذیرد که یک کوه اسطوره‌ای را تخریب کنیم و با آن جاده بسازیم؟ یا روی آن جاده بسازیم؟

تمامی این اقدامات در حالی است که با وجود پیگیری‌های رسانه‌ای ما، هنوز هیچ ارگانی به طور رسمی مسئولیت این جاده‌کشی را به عهده نگرفته است.

هیچ‌کس به سؤال اهالی فارمد جواب نداد!

همراه با اهالی فارمد جاده تازه‌احداث شده را زیر چرخ ماشین می‌اندازیم و تا پای کوه پیش می‌رویم. سمت شمالی کوه که جاده در آن احداث شده، با دامنه جنوبی زمین تا آسمان فرق دارد، باد در گندم‌زارها می‌پیچد و راه را مثل بوم، نقاشی کرده است. محسن هادیان‌فر، رئیس شورای روستای فارمد، ما را می‌برد به دهه ۸۰ و می‌گوید: قبل از شروع کار معادن سنگ آهک در ضلع جنوبی کوه، آن سمت هم پر از گندم‌زار بود اما متأسفانه حالا به اصطلاح ما زمین سیاه شده و دیگر قابل کشت نیست.

او سپس کلام را به جاده شمالی پیش رویمان که احداثش علامت سؤال بزرگی برای اهالی فارمد ایجاد کرده است برمی‌گرداند و می‌گوید: این راه بسیار باریک و مخصوص عبور تراکتور و وسایل کشاورزی بود. سال ۹۶ گروهی آمدند و گفتند می‌خواهند اینجا سایت بزنند، با همراهی کارخانه سیمان بخشی از جاده را درست کردند اما دیگر ادامه ندادند و رفتند. دوباره از بهمن سال ۱۴۰۳ آمدند و بدون وقفه کار را پیش بردند و فروردین ۱۴۰۴ به نوک قله اژدرکوه رسیدند. اما این تازه شروع ماجرا بود و بعد از آن نوک قله هم مسطح و سازه‌های بتنی کف آن ریخته شد و حالا دکلی درحال بالا رفتن از قله اژدرکوه است.

در تمام این مدت هیچ توضیحی به پرسش‌های پیاپی اهالی داده نشده است و آن‌ها هنوز نمی‌دانند قرار است چه اتفاقی در کوه اسطوره‌ای اژدرکوه بیفتد؟

از سال ۹۸ در حال پیگیری هستیم!

این اولین باری نیست که پرسش‌های اهالی فارمد بی‌جواب می‌ماند. نامه‌نگاری‌های دهیاری و شورای روستای فارمد درباره فعالیت معادن نیز از سال ۹۸ تاکنون بی‌پاسخ مانده است. هادیان‌فر می‌گوید: به بخشداری، میراث فرهنگی، صنعت و معدن، بازرسی استان و... نامه زدیم و نوشتیم اژدرکوه، کوه افسانه‌ای ماست آن را حفظ کنید و نگذارید از بین برود، اما اتفاقی نیفتاد. البته گاهی مسئولان وقت می‌آمدند بازدید و وعده‌های خوبی هم می‌دادند و ما به رفع مشکل امیدوار می‌شدیم، اما در واقع همه‌اش هیچ بود و حتی اوضاع بدتر هم شده است. در تمام این مدت هیچ پاسخی به نامه‌های شورای روستای فارمد داده نشده است.

رئیس شورای روستای فارمد سپس با اشاره به تلاش‌های نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی، می‌گوید: حجت‌الاسلام والمسلمین پژمانفر برای نجات اژدرکوه خیلی زحمت کشیدند حتی در صداوسیمای ملی هم موضوع را مطرح کردند و با پیگیری‌های ایشان هم سال ۱۴۰۲ میراث اژدرکوه را ثبت ملی کرد. اما انگار همان ثبت ملی هم فقط روی کاغذ بود. چندین بار گفتیم اگر ثبت شده لااقل یک شماره ثبت به ما بدهید یا یک تابلو بزنید اما همان هم دریغ شد. تنها منبع ما همان خبری است که در رسانه‌ها اعلام شده است.

اژدرکوه اصلا ثبت ملی نشده!

اتفاق بد دیگر در این وانفسا، برگشت پرونده ثبتی اژدرکوه به چند قدم عقب است. پیگیری‌های شهرآرا حاکی از این است که با وجود اعلام مدیرکل میراث فرهنگی مبنی بر ثبت نهایی پرونده اژدرکوه در فهرست میراث ملی و رسانه‌ای شدن این خبر در نشست خبری ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۲، هنوز هیچ شماره ثبتی به پرونده اژدرکوه اختصاص نیافته و این به این معناست که اژدرکوه هنوز ثبت ملی نشده است.

محمود طغرایی، مسئول اداره ثبت میراث فرهنگی استان، در این زمینه توضیح می‌دهد: پرونده ثبتی اژدرکوه کامل شده و در وزارتخانه با دفاع ما مورد تأیید هم قرار گرفته است اما چون روی این کوه یک سری معادنی وجود دارد که پیش از ثبت ملی اژدرکوه مجوز بهره‌برداری دریافت کرده‌اند، وزارت گردشگری ثبت نهایی اژدرکوه را منوط به تعیین تکلیف معادن فعال توسط وزارت صمت کرده است. یعنی باید ابتدا صنعت و معدن بگوید برای این معادن چه برنامه‌ای دارد و قرار است معادن تعطیل شود و ما به‌ازا به آن‌ها داده شود یا اینکه فعالیتشان را محدود کند. طغرایی اضافه می‌کند از دید ما هر روز فعالیت این معدن تخریب بیشتر یک اثر ملی است اما با وجود گذشت دو سال از نامه ما به صنعت و معدن، هنوز پاسخی در این زمینه داده نشده است.

گرچه به گفته مسئول اداره ثبت میراث فرهنگی استان به شهرآرا از سال ۱۴۰۰ دیگر مجوز جدیدی برای معادن اژدرکوه صادر نشده است، نامه سیدجواد موسوی به حجت‌الاسلام‌والمسلمین پژمانفر نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۲ مجوز سه معدن پربرداشت این کوه مجدد برای ۱۰ سال آینده تمدید شده است.

از تمام عرصه اژدرکوه باید حفاظت کرد

این بار ثبت ملی نشدن اژدرکوه مشکل بزرگ دیگری هم ایجاد کرده است. بنا بر نامه مدیرکل میراث فرهنگی، «بر اساس پرونده ثبتی، عرصه اژدرکوه به عنوان میراث طبیعی مورد تصویب قرار گرفته و باید تمام عرصه آن مشمول حفاظت و صیانت واقع شود.» با این حال طی چندین ماه جاده‌ای تا نوک قله اژدرکوه رفته و میراث فرهنگی حتی از این اتفاق خبر نداشته است. به گفته مسئولان میراث فرهنگی، برای این جاده‌کشی هیچ‌گونه درخواست مجوزی ارسال نشده و طبیعتا آن‌ها نیز مجوزی صادر نکرده‌اند.

جاده شمال اژدرکوه ربطی به صمت ندارد

همان‌طور که از جاده جدید احداث شده روی اژدرکوه پیاده بالا می‌رویم، پیچ پرسش و پاسخ با ارگان‌های مختلف را هم پشت سر می‌گذاریم. به محض رسیدن خبر جاده‌کشی روی اژدرکوه اولین نگاه‌ها به سمت اداره صمت رفت. اما محمد توکلی، معاون امور معادن اداره صمت از جاده‌کشی در ضلع شمالی اژدرکوه اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت این جاده هیچ‌گونه ارتباطی با سازمان صنعت و معدن ندارد و طبیعتا مجوزی هم از سوی این ارگان صادر نشده است. توکلی همچنین درباره فعالیت معادن توضیح می‌دهد: معدن جدیدی اضافه نشده است و همان معادن قدیمی هستند که بر اساس پروانه تمدید شده در سال ۱۴۰۰ تا سال ۱۴۰۸ مجوز بهره‌برداری دارند.

دادستانی وقتی ورود می‌کند که دستگاهی شکایت کند

در میانه جاده شمالی اژدرکوه برای نفس تازه‌کردن می‌ایستیم. اما تماشای عرض دو لاین جاده و حجم تخریب‌ها بیشتر نفسمان را می‌بُرد. با توجه به صادر نشدن مجوزی از سوی سازمان صمت و اداره کل میراث فرهنگی استان سراغ علی اردکانیان، سرپرست روابط عمومی دادگستری استان خراسان رضوی را می‌گیریم اما او توضیح می‌دهد تا زمانی که مشخص نشود جرمی روی داده و سازمانی شکایتی نداشته باشد، دادستانی نمی‌تواند ورود کند. اردکانیان می‌گوید: اگر محدوده مورد نظر شما در داخل شهر باشد، شهرداری باید ورود کند و اگر خارج از شهر باشد وظیفه صدور مجوز و پیگیری آن برعهده جهاد کشاورزی، یا معاونت عمرانی استانداری است. اگر هم به گفته شما جزو آثار ثبت ملی است باید میراث فرهنگی ورود کند. اگر ارگانی شاکی است و جرمی رخ داده باید توسط آن ارگان به ما اعلام شود تا بعد ما پیگیری کنیم. اما اکنون دستگاهی نامه‌ای به ما نزده است. بنابراین دادستانی نمی‌تواند به این قضیه ورود کند. او ادامه می‌دهد: اگر هم جاده‌کشی مجوز داشته باشد که دیگر دستگاه قضایی نمی‌تواند کاری انجام دهد.

معاونت عمرانی استانداری بی‌اطلاع است

دیگر مسافت چندانی تا قله نمانده، جاده کماکان پیچ می‌خورد و بالا می‌رود. محسن هادیان‌فر، رئیس شورای روستای فارمد و بهشتی از اعضای هیئت کوهنوردی مشهد که ما را در این جاده‌نوردی کوهستانی همراهی می‌کنند، از روزهایی در دهه ۶۰ یاد می‌کنند که فتح اژدرکوه نیاز به تجهیزات کوهنوردی داشت. با این جاده گرچه راه رسیدن به قله همواره شده است، حفظ اژدرکوه دشوارتر از هر زمانی است.

محسن بخشی، معاون هماهنگی و امور عمرانی استانداری خراسان رضوی، صدور هرگونه مجوز جاده‌کشی روی اژدرکوه را رد می‌کند: از ایجاد جاده روی اژدرکوه بی‌اطلاعیم و به حوزه کاری ما مربوط نمی‌شود. او سپس با اشاره به زمان تصدی پست بخشداری می‌گوید: زمانی که بخشدار بودم حفظ اژدرکوه جزو مطالبات مردمی بود و اهالی می‌گفتند چون جزو تاریخ ماست باید جلو فعالیت معدن گرفته شود و همان زمان هم ما جلو فعالیت معادن را گرفتیم اما دو سالی می‌شود که من به حوزه عمرانی استانداری آمده‌ام و دیگر اطلاعاتی از این کوه ندارم.

تا خط‌الرأس اژدرکوه واگذار شده است

از پایین که نگاه کنی اژدرکوه انگار دو قله دارد، اولی از پایین بلندتر به نظر می‌رسد اما درواقع کوتاه‌تر است و دومی که قله اصلی است و تابلو ارتفاع نیز روی آن نصب شده است از بالای کوه بلندتر است. ما از جاده احداث شده به قله اول می‌رسیم جایی که حالا به واسطه بتن‌ریزی کامل مسطح شده و تشکیلاتی روی آن ساخته شده که نشان می‌دهد دکلی قصد دارد از این قله بالا برود. هرچند هنوز کامل نشده و کار دارد.

حسن محمدزاده، رئیس اداره منابع طبیعی مشهد، در نهایت گره سؤال ما را تا حدودی باز می‌کند و پس از بررسی‌های اجمالی می‌گوید: یک درخواست مبنی بر واگذاری تا خط الرأس اژدرکوه به سپاه و نیروهای مسلح داشتیم. اما قسمت بالای کوه را باید به صورت میدانی بررسی کنیم و ببینیم در محدوده واگذاری قرار دارد یا خیر.

ضلع جنوبی اژدرکوه در محاصره معادن سنگ آهک

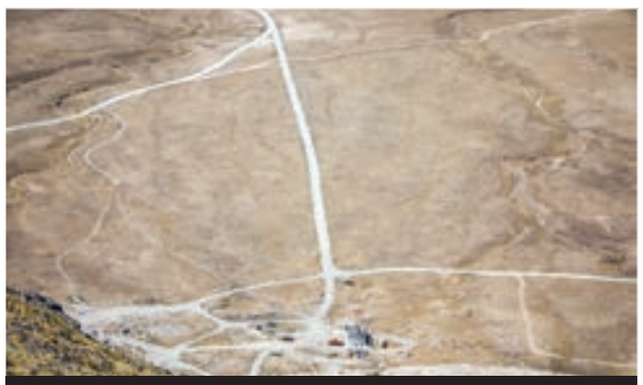

حدود ۶ معدن در حریم اژدرکوه تا سال ۱۴۰۸ مجوز بهره‌برداری دارند

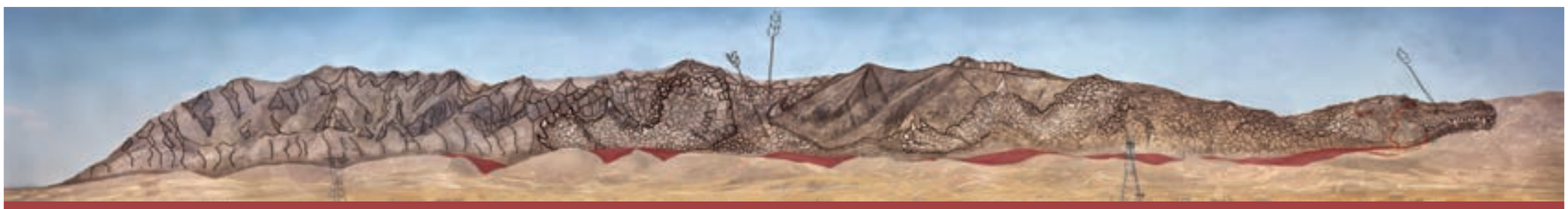

افسانه اژدرکوه چیست؟

حیات مردم توس، از دیرباز به کشف رود وابسته بوده است. به همین دلیل به محض اینکه آب رودخانه کشف رود خشک می‌شده، مردم شروع به داستان سرایی می‌کرده و دلیل خشکی آن را به عوامل مختلفی ربط می‌داده‌اند. «اژدهای خوابیده بر «اژدرکوه» مانع رسیدن آب به کشف رود می‌شود» این یکی از افسانه‌هایی است که هنوز می‌توان از زبان قدیمی‌های توس شنید.

این افسانه در شاهنامه فردوسی هم روایت شده است که بر اساس آن مردم از سام (پدربزرگ رستم) می‌خواهند به مبارزه با اژدها برخیزد و با کشتن او آب را دوباره در کشف رود جاری کند و آسایش را به مردم بازگرداند.

سام نیز پس از آنکه از سیستان به توس آمده و اژدها را کشته به منوچهرشاه گزارش می‌دهد: «کشف رود پرخون و زرداب شد/ زمین جای آرامش و خواب شد» از قضا در نزدیکی «کشف رود» کوه منفرد سیاه‌رنگی وجود دارد با یک رگه یا لکه قرمزرنگ به شکل اژدها که مردم باور داشته‌اند آن لکه سرخ‌رنگ جسد همان اژدهاست! (به روایت حافظ ابرو، مورخ قرن نهم)

در نتیجه مردم، این کوه را «اژدرکوه» نامیده‌اند که تاکنون هم با این نام مشهور است (کوهی که مجاور دو روستای «برزش‌آباد» و «فارمد» و کارخانه سیمان است)